



وظایف خانواده و نهادهای تربیتی در تعدیل مدگرایی

خانواده و نهادهای تربیتی نقش مهمی در نوع رفتارهای فرزندان از جمله توجه به مد و مدگرایی دارند، از این رو نقش والدین و مربیان تربیتی و میزان آگاهی آنها خیلی مهم و موثر است.

خبرگزاری مهر- خانواده و نهادهای تربیتی نقش مهمی در نوع رفتارهای فرزندان از جمله توجه به مد و مدگرایی دارند، از این رو نقش والدین و مربیان تربیتی و میزان آگاهی آنها خیلی مهم و موثر است.

نخستین کانون اجتماعی تربیتی در آموزش رفتارهای اجتماعی و شکل گیری شخصیت فرزندان خانواده است، که نقش مهمی دارد. اما با توجه به تاثیر نهادهای تربیتی نباید از نقش آنها هم غافل شد. در این راستا والدین و مربیان مراکز تربیتی وظایفی دارند.

- واقف بودن به الگوهای مناسب فرزند پروری

الگوهای فرزند پروری در جهان گوناگون است. الگوهای فرزند پرور را به سه گروه سهل گیرانه، سختگیرانه و مقتدرانه می توان دسته بندی کرد.

در الگوی سهل گیرانه فرزندان اجازه دارند که هر طور که می خواهند و می توانند خواسته ها و آرزوهای خود را برآورده نمایند و به اصطلاح آزادی مطلق حکم فرماست. فرزندی که در نوع الگوی سهل گیرانه تربیت شده اند بی بند و بار، لابلایی، خودخواه و بی هدف هستند و معتقدند هیچ کنترلی بر افکار و اعمال آنها حاکم نیست.

در نوع سختگیرانه که یک نفر رفتار را کنترل می کند این فرد اغلب پدر و گاهی ممکن است مادر باشد. خانواده تابع اصول دیکتاتوری است. در چنین خانواده هایی تنها فرد دیکتاتور تصمیم می گیرد. هدف و راه را تعیین و نشان می دهد. وظایف افراد را مشخص و همه باید مطابق میل او رفتار کنند. در چنین خانواده ای فرزندان مطیع و فرمانبردار هستند و رفتار این فرزندان در بعضی از موارد با پرخاشگری همراه است. برای دیگران احترام قائل نیستند و از ثبات عاطفی-روانی برخوردار نیستند و گرایش بیشتری به انحراف های اخلاقی از خود نشان می دهند.

در الگوهای مقتدرانه اظهارنظر، گفتگو با فرزندان و ارتباط کلامی وسیع والدین با فرزندان وجود دارد. گرمی عاطفه و صمیمیت در بین این خانواده ها برقرار است. در این الگو اظهارنظر فرزندان به استقلال و آزادی فکر تشویق می شوند به درستی از این سه نوع روش فرزند پروری، روش مقتدرانه، روش تربیتی مناسبی در پیشگیری از انحراف های اجتماعی به ویژه مدهای منفی است. در حقیقت نوجوانانی که رابطه گرمی با والدین متعادل خود دارند کمتر در معرض فشارهای گوناگون قرار می گیرند. این گروه از نوجوانان و جوانان ارزش های اساسی خانواده را درونی می کنند و نیاز کمتری به پذیرش و تایید دیگران دارند. احساس امنیت ارضای نیازهای روانی-اجتماعی و رسیدن به اهداف از طریق خانواده امکانپذیر است. همان نیازهایی که در گروه نیز امکان تحقق آن وجود دارد. به طوری که این اتفاقات در خانواده های سهل گیر که هیچ کنترلی نسبت به فرزندان خود ندارند صورت نمی گیرد. الگوی فرزند پروری مناسب از جمله مقتدرانه می توان از گرایش فرزندان به مدل های منفی پیشگیری کرد.

- آگاه بودن از علائق فرزندان در دوره بلوغ

دوره بلوغ دوران بحران برای نوجوانان است و تغییر و تحولی در وضعیت جسمانی نوجوان پدید می آید و علایق جدیدی در آنها شکل می پذیرد. مثلاً دختران نوجوان در صورت با جوش غرور جوانی و کک و مک دچار می شوند و از این رو می خواهند با آرایش صورت خود را بیوشانند و والدین با نرمی و مهربانی در این موقع باید رفتار کنند و فرزند خود را نزد یک متخصص برده و مشکل فرزند خود را حل کنند و در مورد پسران نوجوانان برای جلب توجه از مدها پیروی می کنند و در این رابطه با برخورد منطقی و عاقلانه با نوجوان خود رفتار کنند و از راهکارهایی اساسی در مورد مدگرایی استفاده کنند.

- آموزش هنجارها و ارزش ها

در بعضی از مواقع افراد از رفتارهایی که انجام می دهند آگاهی ندارند و نمی دانند رفتاری که از آنها سر می زند هنجار یا مطابق ارزش

های جامعه است یا ضد ارزش ضد هنجارهای جامعه است. در این مواقع خانواده، مدرسه و رسانه ها لازم است رفتارهای هنجار و ارزشی جامعه را به افراد جامعه معرفی کنند تا ضد هنجارها شناخته شده و رفتارهای افراد جامعه با ارزش های جامعه هماهنگ شود و هر اندازه کنترل رفتارها با امتناع درونی مانند اخلاق و دین کنترل شود بسیار کار سازتر و مفید واقع می گردد. آموزش ارزش ها و هنجارهایی که جزء مهارت های زندگی است نباید غفلت کرد. آموزش مهارت هایی مانند اعتماد به نفس، اعتدال، تصمیم گیری و پرورش خلاقیت در مراکز آموزشی خانواده می تواند در گرایش نداشتن نسل جوان و نوجوان به مدهای غربی و منفی موثر باشد.

در آموزش ارزش ها و هنجارها باید میان عوامل تربیت اجتماعی هم سویی وجود داشته باشد زیرا دوگانگی یا چند گانگی رفتاری در میان عوامل تربیت اجتماعی موجب سردرگمی نسل جوان می شود و این سردرگمی زمینه ساز گرایش به مدهای منفی می شود.

الگو بودن والدین و پرهیز از مدگرایی

اغلب فرزندان در مراحل اولیه زندگی شکل گیری شخصیت خود والدین شان را به عنوان الگو می پذیرند و در این سنین و بلوغ فرزندان اگر والدین پشتمانه علمی، فرهنگی و اعتقادی قوی داشته باشند می توانند الگوی مناسبی برای فرزندان خود باشند به این ترتیب والدین می توانند الگو دهی کنند رنگ و مد لباس فرزندان خود را و با اقتدار خود اجازه ندهند. فرزندان بازیچه دست مد سازان و پوچ گرایان شوند و بی شک اگر والدین از آن پایگاه ارزشی، علمی و انتقادی بی بهره باشند و خود از الگوهای بیگانه کورکورانه تقلید کنند فرزندان نیز با الگوگیری از آنان همین شیوه را پی خواهند گرفت. بنابراین الگو بودن والدین و پرهیز از زیاده روی در حد نکته مهمی است که والدین باید در تربیت فرزندان به آن توجه داشته باشند.